



انقلاب مردم ایران سی ساله شد.سی سال از روزهای پرهیجان و مخاطره آمیز بهمن ۵۷ گذشت. کودکانی که آن روزها در آغوش مادران و پدران خویش شاهد صحنه های عشق و ایثار بودند، امروز زنان و مردان میانسانی شده‌اند که خاطرات و مشاهداتشان را برای فرزندان خود بیان می کنند.

رهبری امام خمینی(ره)و همبستگی و حضور یکپارچه تمامی مردم از عم از زن و مرد و کودک و نوجوان برای دفاع از آرمان هایشان، عنایت الهی را به ارمان آورد و مبلاب به پیروزی رسید.در این میدان پر مخاطره مبارزه، حضور اقشار فرهیخته بویژه روحانیت، فرهنگیان و دانشجویان به دلیل مرجعیت فکری و پایگاه مردمی،

تأثیری شتاب دهنده به روند پیروزی می بخشید و این واقعیت در مقام خودبایسته است که توسط صاحب نظران مورد تحلیل قرار گیرد و حتی نام یکایک این پیشقراولان نهضت از جمله معلمان پیشگام در گوشه گوشه کشور پهناورمان در تاریخ ثبت گردد و از آنان تجلیل شود، و اما در این مجال با نکوداشت یاد و خاطره همه آن ژرف اندیشان ایثار گر می توان مروری شتابزده داشت بر آنچه که با پیروزی انقلاب اسلامی، در گستره گسترده تعلیم و تربیت کشور به جامعه ارزانی شده است؛

دگرگون شدن گوها

تحول کیفی و دگرگونی اصول حاکم بر روند تعلیم و تربیت نسل آینده، مهم ترین دستاورد انقلاب اسلامی در این عرصه بوده است. با پیروزی انقلاب، فلسفه آموزش و پرورش، دگرگون شد و ما دی گراییی و خودباختگی و خود پرستی و دین ستیزی و ترویج فسادوی بندوباری، جای خود را به حاکمیت ارزش های انقلابیی و انسانی داد.

در آن دوران الگوی دانش آموزان در کتاب های درسی، محمد و علی و حسین نبود بلکه از سلسله پادشاهان و ثروتمندان بود و «دار» نام داشت، خواندن و نوشتن با «آب» و «ان» آغاز می شد و به بهانه آموزش حرف «ز» مادر و دختر به «بازار» می رفتند تا هر چه بیشتر خرید کنند و در کتاب زبان، گفتگوی دو دانش آموز آمده بود که یکی قصد داشت در آینده خلبان شود، البته نه برای آنکه از مرزهای کشور دفاع کند بلکه برای آنکه درآمد بیشتری به دست بیاورد و با آن کت و شلوار بیشتری بخرد و دیگری نیز آرزو داشت وکیل شود او هم نه برای آنکه از حقوق مظلومان دفاع کند بلکه او نیز امیدوار بود با کسب درآمد بیشتر از این شغل پولساز بتواند او تمبیل گران قیمتی تهیه کند!

فضای حاکم بر برنامه ریزی های آموزش و پرورش، بی هویتی و غریبزدگی و احساس حقارت از ایرانی بودن را تبلیغ می کرد و به سوابق افتخار آفرین دانشمندان ایرانی، کمتر اشاره می شد و سعی بر آن بود که پیشینه ایرانیان، شاه پرستی و همسنگ دیدن فرمان یزدان و

فرمان شاه، و انمود شود.

به موازات تقدیس خرافاتی «نظیر ملی گرای منفی و در اوج آن شاه پرستی، از «تخریب مقدسات» و مقابله با نهادهای ارزش های ملی و دینی نظیر هویت ملی و مسجد و حجاب و عفاف و امثال آن نیز فر وگذار نمی شد و در پوشش تصاویر کتب درسی و اردوهای دانش آموزی پیشاهنگی و عمران ملی و دیگر فعالیت های فوق برنامه برای ترویج غریبزدگی و فساد وی بندوباری و اختلاط برنامه ریزی می شد. در کتاب های درسی دختران جوان، بی حجاب و زنان سالمند و نیاز مند با چادر به تصویر کشیده می شدند. گورستان ها به نام امامان (ع) و معصومان (ع) و پارک ها و محیط های شادی بخش به نام چهره های منحوس رژیم شاهنشاهی نامگذاری می شد.

انقلاب اسلامی به حاکمیت این الگوهای تحمیلی رژیم وابسته شاهنشاهی پایان داد و فرصت رشد و شکوفایی نظام تعلیم و تربیت را فراهم ساخت که اگر چه هنوز تا شرایط مطلوب فاصله داریم اما مروری بر راهی که طی این سی سال باسرعتی شگفت انگیز طی شده است، موجب شناسایی دستاوردهای انقلاب در عرصه آموزش و پرورش خواهد شد که به سهم خود باز شناسی نقاط قوت و در نتیجه ضرورت تقویت آنها را ایجاب می کند و شتاب بخشیدن بر سرعت حرکت در مسیر آینده را به دنبال خواهد آورد؛

۱- ارتقای جایگاه معلم و آموزش و پرورش
اعتلای آموزش و پرورش به عنوان نهادی بالنده و نیز اعتلای جایگاه معلم به عنوان گروه مرجع و تأثیر گذار در سرنوشت سیاسی کشور، از رهاوردهای انقلاب اسلامی است چنانکه پس از پیروزی انقلاب، حضور آموزش و پرورش در عرصه دفاع مقدس و عرصه های سازندگی و صحنه های سرنوشت ساز و دفاع از حقوق مسلم ایران در عرصه بین المللی، کاملاً مشهود است. همچنان که نقش تأثیر گذار جامعه معلمان در صحنه سیاسی و مدیریت کشور و مجلس شورای اسلامی را باید از ابداعات و دستاوردهای انقلاب به شمار آورد و این البته قابل قایل بینی بود، زیرا همچنان که جامعه معلمان در پیروزی انقلاب، نقش تأثیر گذار داشتند طبعاً باید در مدیریت انقلاب اسلامی که شاخصه اصلی اش فراملی است نیز حضوری تأثیر گذار داشته باشند.

۲- عدالت آموزشی

عدالت، اساسی ترین و راهبردی ترین هدف نظام اسلامی است و لذا بایسته است دستاوردها و مولفه آن در عرصه تعلیم و تربیت یعنی «عدالت آموزشی» مورد ارزیابی قرار گیرد؛

۱- ۲۰ درصد پاسوادی جمعیت ۶ساله و بالاتر
نقش این شاخص در توسعه کشور بی نیاز از شفاف سازی است و جهش غیر قابل تصویری که طی سال های پس از انقلاب اسلامی داشته است، غرور انگیز و افتخار آفرین می باشد. در سال ۱۳۵۷ تنها ۴۷/۵ درصد یعنی کمتر از نیمی از جمعیت کشور باسوادی بودند و اینک این شاخص به ۸۷ درصد ارتقا یافته است، یعنی کمتر از ۱۳ درصد

رسالت



در آموزش و پرورش

محمود فرشییدی

جمعیت از نعمت سواد محروم مانده اند.

۲-۲ پوشش تحصیلی

این شاخص نشانگر درصد دانش آموزان واجب‌التعلیمی است که تحت پوشش آموزش و پرورش می باشند.در سال ۵۷، تنها ۶۲درصد دانش آموزان مقطع دبستان تحت پوشش بوده اند و اینک با تلاش های انجام شده ۹۸ درصد این دانش آموزان امکان حضور در مدرسه و بهره گیری از تعلیم و تربیت را یافته اند. این شاخص در مقطع راهنمایی از ۳۷۲ درصد به ۹۲ درصد و در مقطع متوسطه از ۱۷۴ درصد به ۸۴افزایش یافته است. به زبان ساده تر، در مقطع راهنمایی، در صد دانش آموزان تحت پوشش، حدوداً سه برابر و در مقطع متوسطه حدود ۱۵برابر شده است.

۳- ۲ سهم دانش آموزان دختر

در زمینه رعایت حقوق زنان، نظام اسلامی همواره مظلومانه مورد هجوم تبلیغاتی دشمنان قرار گرفته است، اما این شاخص، سنندری بر بی اساس بودن این تبلیغات است زیرا در سال ۵۷ حدود ۲۸درصد از امارکل دانش آموزان کشور به دختران اختصاص داشت که خو شبخاتنه این شاخص اینک به ۴۷۳در صد ارتقا یافته است یعنی تقریباً سهم دختران و پسران دانش آموز به برابری نزدیک شده

است.

۴-۲ مدارس شبانه روزی

هدف مدارس شبانه روزی، جذب دانش آموزان مناطق محروم و روستایی است و در رشدی حیرت انگیز، این مدارس پس از انقلاب، ۴۷ برابر شده است یعنی تعداد این مدارس از ۶۵ واحد به ۳۰۶۸ واحد افزایش یافته است.

۵-۲ مدارس استعداد های درخشان

این مدارس که ویژه دانش آموزانی است که دارای استعداد های برجسته می باشند، تا سال ۵۷ محدود به تهران و احیاناً چند مرکز استان می شد و تعداد این مدارس، انگشت شمار بود اما با پیروزی انقلاب، این مدارس به طرز شگفت انگیزی افزایش یافت و از آن تعداد انگشت شمار به بیش از سیصد واحد رسید تا دانش آموزان دارای استعداد و برجسته در شهر ستان ها و مناطق دور افتاده نیز بتوانند از امکانات آن بهره مند شوند.

۶-۲ مدارس استثنایی
شاید بهترین و ظریف ترین جلوه عدالت آموزشی، توجه به دانش آموزانی باشد که به دلیل مشکلات ذهنی، جسمی و روانی نیاز به آموزش ها و توجه و مراقبت های ویژه دارند. این مدارس نیز نپس از انقلاب بیش از ۵برابر

و الله اکبر، خمینی رهبر بود.

آیا این شعارها از شعور، آگاهی، عشق مردم به خدا، قرآن، ایمانی عمیق و پاک و بی ریا به خالق هستی بخش نبود. آیا این شعور و آگاهی مردم را به سر منزل و سر منشا هستی نزدیک نکرده بود که به مصداق این بیت شعر:

از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود

به کجایم ی‌روم آخر تمنایم وطنم

از کجا آمدنشان راه، علت و فلسفه آمدنشان، حیثیاتش و محل انتهایی بودنشان و یا هدف هستی خویش را یافته بودند. مردم در عصر انقلاب از پوچ انگاری ها و خود فریبی ها، از لاابالی کری ها و مادی گرایی و پول پرستی، جاه پرستی و شهوت پرستی ها از همه چیز و همه کس بریده و به یگانه محبوب هستی پیوسته بودند. این بود که آنها را یک صدا کرده بود و متحد، عاشق و ایثار گر، قلب ها متحول شده و جسم ها در اختیار قلب و روح پاک و قدم ها در راه خدا، دست ها، مشتیی شده بود که بر دهان دشمنان دین، کوبیده می شد. نفس ها گرم و یکصدا بانگ الله اکبر را به سرتاسر عالم می رساند. آری مردم از خود دروغین، خود حیوانی، بریدند و به خدا رسیدند و این شد که انقلابی در گرفت آن هم خدایی، یعنی اسلامی. مردم حرکت ملیون (نهضت نفت)، را در سال ۱۳۳۲ و حرکت مشروطه را دیده بودند. مردم فرغم ها را در سوم اسفند و ششم بهمن دیده بودند، مردم به شناخت و آگاهی رسیده بودند و می خواستند حرکتی یکدست و بدون التقاط را به سرانجام برسانند و فقط خدا، «الله اکبر»، «ایاک نعبد و ایاک نستعین» را باور کرده و به منصف ظهور رسانده بودند. مساجد، تکایا، خیابان ها، کوچه ها، بهشت زهرا (س) حتی سینماها همه و همه شده بودند آگاهانه زیستن و آگاهانه بودن و حتی آگاهانه مردن، دشمن نیز فهمیده بود که یک روز سینما رگس آبادان را در آتش خشم خود شعله ور کرد، یک روز مسجد جامع کرمان را، یک روز میدان ژاله را و روز دیگر دانشگاه تهران را، این نبود مگر اینکه دشمن سر درگم شده بود، چرا که خداوند وعده داده «ان تنصروا الله ینصرکم و ینتص اقدامکم» و در جای دیگر «و مکروا و مکرالله و الله خیر الماکرین.» انقلاب ایران باز گشت به خویشتن خویش ایرانیان، این مومنین و مسلمین دلسوز بود که خود را، جایگاه خود را، تمدن عظیم خود را، مذهب خود را، امام خود را و در اصل خدای خود را یافته بودند و برای خدای خود سر از جان نمی شناختند و با هم می گفتند:

ما پیرو قرآنیم، سلطنت نمی خواهیم

حکومت اسلامی، ایجاد باید کرد

استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی

نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی

چپ و راست نابود است، اسلام پیروز است

آری برای این انقلاب شد که مردم از ستم، استعمار، استثمار و ظلمی که تحت عنوان تمدن بزرگ می آنها می شد به تنگ آمده بودند.

آمریکا، اسرائیل، انگلیس و دیگر قدرت ها هر چه می خواستند می کردند و کسی جرات نداشت و اگر کسی هم چیزی می گفت او را به سیاه چال های مخوف می بردند، ناخن می کشیدند، با آتش سیگار و اتو باور داغ و شکنجه می کردند و با مثل شهید آیت الله حسین غفاری با منته بخشجه اش را سوراخ می کردند و میمیل آیت الله سعیدی با آهن گداخته رگ حیات او را می سوزاندند و یا به طرق مشکوکی مسموم می کردند. دستگاه ساواک با همکاری موساد و سازمان سیا حرکات انقلابی را تحت نظر داشتند. در خیابان بهار تهران یکی از روسای ساواک با ناخن های کشیده کلکسیونی درست کرده بود. مردم پشت سر مرجعیت، مرجعی که صداقت خود را با اعطای فرزندش آقا مصطفی به کشور، انقلاب، مردم و اسلام ثابت کرده بود، پشت این ابراهیم مان که اسماعیل خود را ذبح کرده بود گرد آمدند و با او همونا شدند و با آزارش الهی برگرفته از آیه شریفه «الا

دارای مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر بودند. اینک ۴۹ درصد معلمان تا این سطح علمی ارتقا یافته اند و به طور کلی میانگین تحصیلات کارکنان آموزش و پرورش از ۱۷۲ سال در سال ۱۳۵۷ به ۱۴/۶۴ سال در شرایط کنونی افزایش یافته است.

۳-۳ پژوهشراها

با احداث پژوهشگاه تعلیم و تربیت و پژوهشکده های تابعه و دیگر ساختارهای پژوهشی و پژوهشراهای دانش آموزی، فعالیت های پژوهشی در آموزش و پرورش پس از انقلاب به سوی سازمان یافتن و نظام مندی حرکت کرد و از جمله پژوهشراهای دانش آموزی برای نخستین بار پس از انقلاب تاسیس شد و اینک بیش از ۱۷۰ پژوهشسرای دانش آموزی در سراسر کشور فرصت تحقیق و پژوهش را برای دانش آموزان پژوهشگر فراهم آورده اند.

۴- فعالیت های پرورشی

اگر چه رویکرد فعالیت های پرورشی قبل و بعد از انقلاب کاملاً با یکدیگر متباین است اما حتی از نظر کمی هم رشد چشمگیری در این عرصه مشاهده می شود.

۱-۴ اردوگاه ها

قبل از انقلاب ۳۵ اردوگاه وجود داشت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اینک ۷برابر شده و تعداد آنها به ۲۶۸ اردوگاه رسیده است.

۲-۴ کانون های فرهنگی و تربیتی

این کانون ها فرصت فعالیت های فوق برنامه را برای دانش آموزان علاقه مند در عرصه های فرهنگی و هنری، فراهم می آورند و تعداد آنها بیش از ۴۳ برابر شده و از ۳۰ کانون به ۱۳۱۰ کانون افزایش یافته است.

۳-۴ واحدهای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

طی سال های پس از پیروزی انقلاب، این واحدها به ۶۸۴ واحد رسیده است، یعنی حدوداً ۳۵ برابر شده است.

۴-۴ تشکل های دانش آموزی

این تشکل ها فرصت دیگری است برای دانش آموزانی که علاقه مند به فعالیت های فوق برنامه هستند. پس از پیروزی انقلاب باپیدایش تشکل های جدید دانش آموزی نظیر بسیج، اتحادیه انجمن های اسلامی، هلال احمر، شورای دانش آموزی، سازمان دانش آموزی، مجلس دانش آموزی و … تعداد این تشکل ها از ۲ تشکل به ۹ تشکل افزایش یافت. روشن است که دستاورد های ۳۰ ساله نظام اسلامی و حاصل تلاش مدیران و معلمان ایثار گر رانمی توان در این مختصر بر شمرد، و همچنان که بر شمردن آنها به معنای تغافل از مشکلاتی نیست که اینک آموزش و پرورش کشور فرا روی خود دارد، بلکه اشاره به این توانمندی ها به منظور جلب توجه بر نامه ریزان کلان کشور در راستای عنایت بیش از پیش به این نهاد بالنده و سرنوشت ساز کشور می باشد.

بذکرالله مطمئن القلوب» به پیش رفتند و روز به روز بر تعدادشان افزوده شد تا رسیدند به تاسوعا و عاشورای حسینی و با شعار نهضت ما حسینی است

رهبر ما خمینی است

شوری عاشورایی و کربلایی گرفتند و گفتند:

کل یوم عاشورا

کل ارض کربلا

ایران شد کرب بلا

مهدی بیا، مهدی بیا

مهدی بیا، مهدی بیا

و انقلاب از رمضان آغاز و در محرم به اوج خود رسید. ملت مسلمان ایران در ماه رمضان، رجعتی خاص به سمت معبود محبوب خویش کرده و در محرم به یاد آن یگانه سید و سالار شهیدان حاضر به ایثار جان خویش و فرزندان خود در مسیر شهیدان کربلای می شود. انقلاب ما برگرفته از انقلاب امام حسین علیه السلام است و انقلاب امام حسین علیه السلام برای احیای دین جد بزرگوارش «اسلام» بود، پس انقلاب ما اسلامی است و رهبری انقلاب نیز باید پیرو مکتب حسین (ع) باشد. او کسی نمی تواند باشد جز آنکه علی اکبر خویش، آقا مصطفی را در راه احیای دین فدا نمود و هدفش نیز احیای دین نبوی بود.

لذا مردم گوش به فرمان امام خمینی (ره) بودند و خود را سرباز و فدای او می دانستند. پس بیایم پس از گذشت سال ها باز به یاد بیاوریم این شعار را؛

ما همه سرباز توایم خمینی

گوش به فرمان توایم خمینی

و در تداوم پیروی از ولایت مطلقه فقیه؛

خاتمه ای خمینی دیگر است

ولایتش و ولایت حیدر است

مادر عصر تنهایی «علی» ز مان خویش به پا خاستیم و مسئولیت دینی انقلابی خود را یافتیم و بر آشتیم از آن بلایی که به اسم دین بر مکتبمان روا می داشتند. ما خویشتن خویش را شناخته و از بار اتهام غفلت و بی خبری، خود را پاک و مبرا نمودیم و در صحنه عمل حضور یافته و شدیم آنچه را که دین و خدایمان از ما می خواست. آری خدایی شدیم، آنچه را که جانان می پسندد و این شد که توانستیم در کمتر از ۶ماه انقلاب خود را به اوج به پیروزی برسانیم. اینک به پاس بزرگانفت سالروز پیروزی انقلاب اسلامی، این نوآوری بزرگ حضرت امام خمینی (ره) در قرن اخیر که چشم دنیا را به ایران معطوف کرد به طوری همه مستضعفان و حق طلبان عالم، ایران اسلامی انقلابی را ملجأ، پناه و امید خود می دانند و با تاسی از آن مردم لبنان توانستند طی ۲۳ روز، اسرائیل را به خاک ملذت نشانند و غزه عزیز توانست در مقابل تهاجم خاصصین فلسطین، مقاومت نماید.

اکنون با هم می بینیم شکوفا شدن این نوآوری بزرگ را، پس بیاییم و با دست به دست هم دادن، با وحدت کلمه و با ایمان به خدای بزرگ با تبعیت از رهبری که می دهم یکی از برکات انقلاب ماصل مترقی و دوراندیشانه و ولایت مطلقه فقیه بوده و هست، دهه چهارم را در حالی که در استفاده صلح آمیز انرژی اتمی و ساخت سوخت هسته ای به خود کفایی رسیده ایم و خیلی از علوم پیشرفته دنیا را در اختیار داریم، آغاز کنیم و ضمن پاسداشت و نکوداشت خون شهیدان، حرکت و تحول عظیم خود را به نسل های آینده سپرده و ایران اسلامی را به قدرتمندترین، با ایمان ترین، مستقل ترین و پیشرفته ترین و مستحکم ترین کشور دنیا مبدل کنیم و پرچم انقلاب اسلامی ایران را به دست صاحب اصلی آن حضرت حجت بن الحسن العسكري (عج) بسپاریم. ان شاء الله.